

## **پیامدهای باور به شهود شاهدان و اشتیاق به دیدار خداوند در حیات بشر از منظر قرآن و زیارت امین‌الله**

- اعظم پرچم<sup>۱</sup>
- نازیلا عادل فر<sup>۲</sup>
- مهدی مطیعی

### **چکیده**

خداوند بصیر، خود در همه حال شاهد تمام اعمال و افکار مخلوقاتش است؛ اما برای اتمام حجت بر بشر، شاهدان دیگری برایشان قرار داده است. برخی از آن شهود که دارای علم‌اند، اجازه شفاعت نیز دارند. از این رو باور به شهادت آنها در زندگی دنیوی و اخروی انسان‌ها نقش بیشتری دارد. این نوشتار در صدد است ضمن معرفی اجمالی شاهدان قیامت، پیامدهای باور به آنها را در حیات بشر و تربیت دینی افراد به روش تحلیلی بیان نماید. از منظر قرآن و با استفاده از زیارت امین‌الله ارتباطی بین باور به شهود، با کاهش گناه و افزایش اعمال صالح به دست می‌آید. به تبع آن ازدیاد امید به ملاقات خدا با شادی نتیجه‌گیری می‌شود. پیامدهای این افزایش امید عبارت است از رضایت به سرنوشت، شکرگزاری و صبوری. موارد یاد شده، به بهبود زندگی فردی و

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۱۳.

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤل)

اجتماعی کمک می‌کند؛ امید به زندگی را بالا برده و تحمل سختی‌های آن را آسان می‌نماید.  
واژگان کلیدی: امین‌الله، شاهد، شهود، عمل صالح، لقاءالله.

### مقدمه

یکی از نام‌های قیامت یوم‌الحساب است و از ملزومات دادگاه عدل الهی، حضور و شهادت شاهدان است. در موقف شهادت، علاوه بر خداوند، شاهدان دیگری نیز بر اعمال انسان گواهی می‌دهند. گرچه اعمال آدمی عینیت و تجسم یافته و قابل انکار نیست، اما خداوند برای تأکید به بندگان بر مواظبت بر اعمال و افکارشان در همه جا و همه وقت شاهدان دیگری نیز می‌آورد. از میان این شهود، شهادت پیامبر ﷺ گسترده‌تر است، چرا که در قرآن و روایات شاهد امت خود و سایر انبیاء ﷺ معرفی شده‌اند. پس از آن بر شهادت سایر انبیاء و ائمه ﷺ، که حجت امت زمان خود هستند، تأکید شده است. این مسأله به نوعی وجود علم و بصیرت بر اعمال مردم را توسط حجت زمان به اثبات می‌رساند، چون شهادت بدون علم، ارزش مطرح شدن در دادگاه عدل الهی را ندارد.

شهادت شهود متعدد بر اعمال آدمی در حیات دنیوی و اخروی نقش دارد. در حیات آخرت برای اتمام حجت و در زندگی دنیا باور به شهادت شهود بر بهبود زندگی انسان‌ها و افزایش تقوا و اعمال صالح آنها اثر می‌گذارد. اگر کسی باور کند کوچک‌ترین عملش و حتی افکارش مورد نظر واقع می‌شود، در مورد اعمال و افکار خوب جنبه تشویقی و در امور منفی جنبه بازدارنده دارد. در واقع شهود شاهدان حکم دوربین‌های همیشه روشن را دارد که همه چیز را تحت نظر دارد و ثبت و ضبط می‌کند.

یکی از پیامدهای باور به شهادت شهود، گسترش اعمال نیک است و بین افزایش اعمال صالح طبق آیه آخر سوره کهف و امید به لقاءالله رابطه مستقیمی وجود دارد و آثاری نیز در پی دارد. برخی از آثار آن از زیارت امین‌الله قابل

استخراج است، از جمله ازدیاد رضایت‌مندی از زندگی و سرنوشت اعمال، شکرگزاری، صبر در برابر بلاها و تحمل مشکلات زندگی. حاصل این امور، بهبود سطح زندگی فردی و اجتماعی، کاهش میزان افسردگی و رضایت از زندگی است.

برخی کتاب‌ها و دو مقاله در این خصوص به مسأله شاهدان قیامت پرداخته‌اند، اما پیامدهای دنیوی آن در هیچ کدام تحلیل نشده است. از جمله در مقاله آقای میر باقری تأکید بر شهادت پیامبر ﷺ بر اعمال همه انسان‌هاست. و در مقاله شهود در قرآن از آقای آصفی شاهد را به عنوان یادآورنده (ذاکر) و الگو معرفی کرده است و تأکید مقاله بر مبحث ذکر است و این که شاهدان همان شفیعان هستند. عدم بررسی پیامدهای باور به شهادت شهود، در پیشینه این مبحث، ضرورت طرح آن را بیشتر می‌کند.

#### ۱. شاهدان قیامت: گواهان اعمال انسان

به طور کلی می‌توان شهود را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. شهودی که فقط شاهدند؛

۲. شهودی که علاوه بر شهادت، مجوز شفاعت نیز دارند. مسلماً باور به شهادت دسته دوم اثرات بیشتری دارد، زیرا با علم شهادت می‌دهند و در عین شهادت، اجازه شفاعت و وساطت نیز به اذن خداوند پیدا می‌کنند. این یک رابطه حی بین انسان‌ها و شهود ایجاد می‌کند. در ادامه هر کدام از شهود براساس تقسیم‌بندی بالا به اجمال توضیح داده می‌شود و سپس آثار و پیامدهای آن با استفاده از زیارت امین‌الله بررسی می‌گردد.

#### ۱.۱- شهودی که فقط شاهدند

این دسته دارای علم گروه دوم نیستند و اذن شفاعت نیز ندارند و عبارتند از زمین و زمان، اعضای بدن و اعمال تجسم یافته.

## ۱.۱.۱- زمین

منظور از شهادت زمین بیان وقایعی است که روی آن صورت گرفته است. همان طور که خداوند می‌فرماید: «يَوْمَئِذٍ تَحَدَّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا» (زلزله/۴ و ۵). از نظر برخی مفسرین زمین به زبان قالی و نه حالی و به معنای حقیقی و نه مجازی سخن می‌گوید. خدا وحی می‌کند به زمین یعنی دستور می‌دهد به او که خبر ده از اعمال مردم که بر تو واقع شده است (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۳۱۹). در برخی احادیث توصیه شده که هر جا می‌رسید، در آنجا نماز بگزارید که در قیامت آن قطعه از زمین بر نماز شما گواهی می‌دهد (بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۱۸).

گرچه همه زمین شاهد اعمال است، ولی امام سجاده علیه السلام روی شهادت سرزمین منطقه نمرات<sup>۱</sup> در عرفات تأکید کرده‌اند، چرا که آنجا سرزمین شهادت، و معرفت و عرفان است و می‌داند چه کسانی بر روی آن قدم می‌گذارند و با چه هدفی آمده‌اند و با چه انگیزه‌ای برمی‌گردند. خداوند این سرزمین را شاهد اعمال شما قرار داد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۷۸). از آنجا که عرفات محل معرفت است، نیت افراد نیز مورد شهادت زمین آن منطقه خاص قرار می‌گیرد. در تفاسیر ذیل آیه «و شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ» (بروج/۳)، طی روایاتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله مکرر آمده: «ان الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم عرفة» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۳۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۴۳) این دسته روایات مشخص می‌کند روی شهادت روز عرفه و صحرای عرفات تأکید ویژه‌ای است.

از دلایل نقلی (روایی و قرآنی) برمی‌آید زمین و آنچه در آن است دارای شعور و شهود هستند و در قیامت از حیات برخوردارند و شهادت می‌دهند؛ از این رو در آیات قرآن آنها را مَسْبُوح<sup>۲</sup> خداوند معرفی کرده است. بنابر عقیده برخی از مفسران تسبیح زمین و آسمان و موجودات آن، حقیقی و قالی و از روی شعور و ادراک است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۱۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق،

ج ۳، ص ۱۶۹). بنابراین به امر خداوند قادرند شهادت بدهند. چنانچه مولانا سروده است:

جمله ذرات روزان و شبان      با تو می گویند در سر و عیان  
ما سمیعیم و علیم و باهشیم      با شما نامحرمان ما خامشیم

### ۲.۱.۱- زمان

در مورد شهادت زمان، دلایلی از سخنان ائمه علیهم السلام موجود است. از جمله در قسمتی از کلام امام سجاد علیه السلام: «... و هذا یوم حادث جدید، و هو علینا شاهد عتید، ان أحسننا ود عنا بحمد، و ان أسأنا فارقتنا بدم» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۴۳)؛ هر روز که آغاز می شود، به انسان هشدار می دهد و می گوید، من روزی نو هستم و گواه اعمال تو به روز قیامت می باشم. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام نیز روایاتی شبیه همین مضمون نقل شده است (همان).

### ۳.۱.۱- اعضا و جوارح بدن انسان

آیاتی که بر این شهود دلالت دارند عبارتند از «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (فصلت/۲۰). علامه از این آیه نتیجه گرفته که در دنیا، اعضای بدن آدمی، نوعی درک، شعور، علم و بینایی دارند، چون اگر تحمل شهادت در هنگام عمل نداشته باشند و تنها خدا در روز قیامت چنین شعور و نطقی به اعضا بدهد، اطلاق شهادت بر آن صحیح نیست و با این چنین شهادتی حجت بر بنده خدا تمام نمی شود (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۷۴). آیه دیگر دال بر شهادت اعضا و جوارح انسانها، آیه «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نور/۲۴) است.

درباره نحوه شهادت اعضا و جوارح، چند نظر وجود دارد:

۱. خدا امکان سخن گفتن، به آنها می دهد؛

۲. متکلم خود خدا و اعضا محل کلام است؛

۳. خداوند در آنها علامتی قرار می‌دهد که به منزله سخن گفتن و شهادت دادن است، اما شهادت زبان‌ها این است که وقتی می‌بینند انکار سودی برایشان ندارد، ناچار اعتراف می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۱). در واقع هر عضوی، خود می‌گوید که چه کرده است. اما گواهی اعضای بدن تنها برای گناهکارانی است که باید گرفتار عذاب شوند و برای مؤمنان انجام نمی‌پذیرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۳۱۸). این از الطاف خداوند رحیم بر بندگان مؤمن خود می‌باشد که وقتی قرار است دچار عذاب نگردد و به بهشت برود، آبرویش حفظ شود و خطاهایش بر ملا نگردد.

#### ۴.۱.۱- اعمال آدمی

طبق آنچه که از آیات و روایات به دست می‌آید، اعمال آدمی در قیامت، تجسم می‌یابند و در پیش او نمودار می‌شوند، به طوری که هر فرد عین عمل خویش را می‌بیند. در این خصوص نقل‌ها و حکایات زیادی در کتاب‌های مربوطه آمده که مجال بحث در این نوشتار نیست (ر.ک. مفید، ۱۴۱۳، صص ۱۷۸ و ۱۸۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۴، صص ۲۳۶ و ۲۴۰؛ ج ۲۵، صص ۶۵۳ و ۶۵۵؛ ج ۲۶، صص ۵۴۷).

در قرآن نیز آیاتی در تأیید این مطلب وجود دارد: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزله/۸-۷). این تعبیر قرآن بسیار اثربخش است، چرا که وقتی کسی عین عمل را دید جای هیچ توجیه یا انکاری باقی نمی‌ماند، و حکم قوی‌ترین شاهد را دارد. عمل انسان به اذن حق، حیات و حضور می‌یابد، و این ماهیت قیامت است که همه چیز (از جمله اعمال آدمی) در آنجا زنده است ﴿...وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ...﴾ (عنکبوت، ۶۴). برای یک مسلمان همین دو آیه برای رعایت تقوا کفایت می‌کند. البته بسیاری از مفسرین دیدن عمل را به معنای جزای عمل یا کتاب اعمال گرفته‌اند، از جمله: علامه،

طبرسی، سیوطی، زمخشری، آلوسی، بانو امین؛ اما برخی آن را رؤیت نفس عمل تفسیر کرده‌اند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۲۰۰). سایر آیات قرآن قول دوم را تقویت می‌نماید: «وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (کهف/۴۹) یا «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا» (آل عمران/۳۰) همچنین: «...وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا...» (انبیاء/۴۷). در روایات بسیاری نیز بر این مسأله تأکید شده است، که تنها به ذکر دو نمونه از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ اکتفا می‌شود:

۱. «هر کس پاره‌ای از مال برادر (دینی) خود را به ستم بخورد و (آن یا عوض آن را) به او باز نگرداند، در روز رستاخیز پاره‌ای آتش خواهد خورد». در شرح این حدیث دانشمندان گفته‌اند دلالت بر تجسم اعمال در عالم دیگر دارد و خوردن آتش در آن عالم صورت حقیقی و باطنی و تکمیل شده خوردن مال دیگری را در این عالم نشان می‌دهد (ابن بابویه، بی تا، ص ۶۲۳).

۲. «اعمل ما شئت فانك ملاقيه...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۷۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴، ص ۱۸۹).

### ۲.۱- شهودی که علاوه بر شهادت مجوز شفاعت نیز دارند

ابتدا لازم است تعریفی از شفاعت ارائه گردد. حقیقت شفاعت واسطه شدن در رساندن نفع یا دفع شر است، به عنوان حکومت، نه به عنوان تضاد و تعارض. شفاعت از مصادیق سببیت است و عبارت است از وساطت سبب قریب میان سبب بعید و مسبب (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵۹). یا «شفاعت دعایی است که خداوند آن را اجابت می‌کند و احادیث وارده در صحیحین بر این مطلب صحه می‌گذارد که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قیامت بر خدا سجده می‌کند ... و به او می‌گوید: سرت را بالا بیاور و بخواه تا اجابت شود و شفاعت کن تا مورد قبول واقع شوی. شفاعت به این معنی نیست که خدا از اراده‌اش برمی‌گردد، بلکه به معنای اظهار کرامت شفاعت کننده است، مبنی بر این که اراده‌اش به دنبال

دعاوی او تحقق می‌یابد» (رشید رضا<sup>۳</sup>، ۱۳۵۴ق، ج ۱، ص ۳۰۸).

این دسته از شاهدان، عالم نیز هستند و با علم خویش شهادت داده از این رو می‌توانند اذن شفاعت از خداوند دریافت کنند.

### ۱.۲.۱- خداوند

مهم‌ترین شاهد قیامت، خداوند عالم و بصیر<sup>۴</sup> است که اجازه شفاعت سایر شفیعیان به فرمان او است. خداوند گواهی خویش را توسط الهام به فرشتگان مأمور حساب بیان می‌دارد ﴿وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ﴾ (یونس/۴۶). برخی مفسرین ذیل این آیه آورده‌اند اقتضا و نتیجه شهادت خداوند عقاب است و در واقع شهادت پروردگار هنگامی که پوست و زبان و دست و پای آنها به سخن در آمده و بر علیه آنان شهادت می‌دهد تأیید می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۰).

خداوند از پنهان و آشکار همه آگاه است، زیرا: ﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾ (حدید/۴) نیت درونی را می‌داند و از رنگ گردن نزدیکتر است، چنانچه فرمود: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسَّوْسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق/۱۶) از این رو خود بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شاهد قیامت است. شاهدی که عادل است و حتی کوچک‌ترین چیزها را برای اجرای عدالت، بادقت در حسابرسی می‌آورد و برای این کار کافی است. چنانچه می‌فرماید: ﴿وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ﴾ (انبیاء/۴۷). همچنین در برخی دیگر از سوره‌ها نیز به این مهم اشاره می‌نماید (لقمان/۱۶؛ زلزله/۷ و ۸).

وقتی انسان بداند که قلب او در محضر و مشهود حق است، فکر گناه و آرزوی باطل هم نخواهد داشت و حتی بدی کسی را نیز در دل نمی‌خواهد و قلب خود را از خاطرات آلوده تطهیر می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۳، صص ۷۴-۷۵) و این از



پیامدهای بارز باور به شهادت حق تعالی است.

## ۲.۲.۱- پیامبران الهی

﴿۱۰۳﴾

هر پیامبری بر اعمال امت خویش گواهی می‌دهد؛ اما پیغمبر اسلام ﷺ بر اعمال انبیاء پیش از خود نیز گواهی می‌دهد: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (نساء/۴۱) مفسران خطاب در «بک» را به رسول خدا ﷺ گرفته‌اند و منظور از «عَلَىٰ هَؤُلَاءِ» را امت؛ و شهادت به نفع کسی یا بر علیه او را نوعی اتمام حجت دانسته‌اند. (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۰۱) آیه دیگر مؤید این مطلب، عبارت است از: ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ...﴾ (نحل/۸۹). از این آیه استنباط می‌شود که هیچ زمانی نباید خالی از فردی باشد که سخنش بر مردم زمانش حجت باشد. و این مطابق با عدل خداوند است. این قول از جابایی و بیشتر معتزله است که موافق نظر امامیه است، با این تفاوت که امامیه می‌گویند: این حجت عادل، تنها از جانب خداوند می‌تواند باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۸۶).

در آیه ۶۹ سوره زمر شاهدان و مکان قضاوت را مشخص می‌کند: ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (زمر/۶۹) مکان حسابرسی و شهادت انبیاء ﷺ و شاهدان بر اعمال امت و نیز بر تبلیغ رسالت، زمین است، گرچه این زمین به نوعی دیگر (از نوع قیامتی) تبدیل شده باشد با استناد به آیه ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ (ابراهیم/۴۸).

در مورد شهادت پیامبران ﷺ، آیات زیر نیز گواه است: ﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (زخرف/۸۶). صاحب مجمع می‌گوید: یعنی کسانی که کفار آنها را معبود خود گرفته‌اند، و برایشان عبادت می‌کنند، یعنی بتان و سایر معبودهایشان، قدرت شفاعت ندارند، کفار به

صورت توهمی از این معبودهای غیر حقیقی حاجت می‌خواهند و آمرزش می‌طلبند و تقاضای دفع عذاب از آنان دارند. در قسمت انتهایی آیه ﴿إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ﴾ خداوند کسانی را که گواهان بر حق هستند، از میان معبودان باطل استثناء نموده است و طبق نقل قول قتاده عبارتند از عیسی بن مریم و عزیر و فرشتگان، ایشان نزد خدا منزلت شفاعت دارند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۹۰). بنابراین کسانی می‌توانند شفاعت کنند که دارای دو صفت «علم» و «شهادت» باشند و این دو صفت طبق آیات قرآن (آل عمران/۴۸؛ مائده/۱۱۷؛ نساء/۱۵۹) برای حضرت عیسی علیه السلام ثابت است، بنابراین حضرت مسیح علیه السلام از شاهدان با اذن شفاعت در روز قیامت خواهد بود (پرچم، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰).

سؤال از پیامبران علیهم السلام در قیامت یا به منظور شهادت است یا اتمام حجت ﴿فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ، وَ لَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ﴾ (اعراف/۶). خدا در قیامت از هر قومی که پیامبر برایشان فرستاده و از پیغمبران علیهم السلام پرسش می‌نماید با این که خداوند خود داناتر است، اما در قیامت از آنها می‌پرسد تا بر کافران که حق را نپذیرفتند، حجت تمام کند و برایشان عذری نماند (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۵۵۱). برخی نیز می‌گویند: از امت‌ها به منظور توبیخ و از پیامبران علیهم السلام به منظور شهادت سؤال می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۱۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۲۲)؛ اگر چه این پرسش در قیامت صورت می‌گیرد، ولی تحمل این شهادت در دنیا خواهد بود، چنان که می‌فرماید: ﴿وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ، فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي، كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (مائده/۱۱۷). در آیه مذکور حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید من تا در میانه آنان بودم، شاهد بر آنان بودم، ولی وقتی جان مرا گرفتی، دیگر خودت مراقب آنان بودی، و تو بر هر چیزی شاهد و مراقبی. جمله ﴿كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ﴾ بر حصر دلالت می‌کند و لازمه آن این است که خدا هم در ایام زندگی عیسی علیه السلام و هم بعد از او شاهد باشد. پس شهادت عیسی علیه السلام بر امتش مستقل نبوده، بلکه عیسی واسطه در

شهادت بوده است. بنابراین خداوند هم با وجود شاهدان و هم بدون آنان شهید است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۴۸). چنانچه پیش از این گذشت خداوند به عنوان مهم ترین شاهد اعمال است.

﴿۱۰۵﴾

آیه دیگری که بر شهادت حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در روز قیامت بر مردم خود دلالت می کند، عبارت است از ﴿...وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾ (نساء/۱۵۹)؛ یعنی در روز قیامت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بر آنها شاهد است که رسالت پروردگارش را به آنها رسانیده و خود اقرار به عبودیت نموده و این که آنها را دعوت نموده که او را اله بدانند (بانو امین، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۲۱۹).

احتمال دارد گواه بودن پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام به این معنا باشد که آنان میزان سنجش اعمال اند؛ یعنی نمونه ای برای نشان دادن کردار خوب خوبان و کردار زشت زشتکاران (فرهنگ شیعه، ۱۳۸۶، ص ۲۹۴) و رفتار دیگران با آنها به عنوان یک الگوی کامل، سنجیده شود. چنانچه می فرماید: ﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...﴾ (احزاب/۲۱) و ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ...﴾ (ممتحنه/۴). شرط شهادت آن است که شاهد، نخست عمل را ببیند و به آن علم پیدا کند، و آنگاه براساس آنچه دیده گواهی دهد. این نشان می دهد که شاهدان قیامت، در دنیا ناظر اعمال بندگانش و گرنه شهادت آنها معنی نداشت. در اینکه خداوند همواره شاهد اعمال آدمی است شکی نیست؛ اما پیامبران و اوصیای آنان که از بهترین مؤمنان هستند نیز از راه ولایت باطنی و علم الهی بدین کار توفیق می یابند چنانچه خداوند می فرماید: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (توبه/۱۰۵).

### ۳.۲.۱- امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام

برخی از مفسران از آیه ۱۴۳ سوره بقره و روایات ذیل آن، شهادت امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام را استنباط کرده اند، ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ

عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً...» (بقره/۱۴۳). با توجه به این که همه افراد امت اسلامی، بر راه میانه نبوده‌اند و ویژگی‌های شهادت را نداشته‌اند، می‌توان دریافت که مراد از «امت میانه» در آیه مورد نظر، افرادی برگزیده است. در روایات نیز آمده است که مراد از «امت میانه» امامان معصوم علیهم‌السلام است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۷). علامه نیز ذیل این آیه می‌گوید آن شاهدی از میان شهود که در روز قیامت حاضر می‌شود، همان شاهدی است که در این نشئه دنیا نیز حضور دارد و یک گونه حیاتی دارد که توسط آن، خصوصیات اعمال مردم را درمی‌یابد و در او نقش می‌بندد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۳).

کلینی در کتاب کافی فصلی آورده تحت عنوان «بَابُ فِي أَنَّ الْأُمَّةَ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى خَلْقِهِ» و روایاتی در این زمینه آورده است، از جمله این که برید عجلی راجع به آیه فوق از امام صادق علیه‌السلام سؤال می‌کند. امام علیه‌السلام می‌فرماید: «نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَجُهُ فِي أَرْضِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۰). در این روایت امام تأکید می‌کنند شاهدان خدا بر مردم و حجت او در زمین هستند. در ادامه حدیث فوق برید از آیه «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ» می‌پرسد و امام پاسخ می‌دهند: «فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الشَّهِيدُ عَلَيْنَا بِمَا بَلَّغَنَا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ فَمَنْ صَدَّقَ صَدَقْنَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ كَذَّبَ كَذَّبْنَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۰). این روایت و همچنین آیه ۸۹ سوره نحل که پیش از این ذکر شد، نشان می‌دهد ائمه علیهم‌السلام شاهدان بر مردم هستند و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شاهد بر امامان و بر سایر انبیاء علیهم‌السلام و شهود دیگر می‌باشد.

علامه پس از بحثی نسبتاً مفصل در این زمینه نتیجه گرفته که باید این شاهد معصوم باشد، از دروغ و لغو دوری کند و به حقایق اعمالی که بر آن شهادت می‌دهد عالم باشد، البته نه این که فقط صورت محسوس عمل را ببیند، بلکه باید حقیقت و نیت درونی آن را نیز بداند، و (شهادت برای) مردم حاضر و غایب

برایش یکسان باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۲۳). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَجَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نَفَارِقُهُ وَلَا يُفَارِقُنَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۰). در این حدیث امام ضمن معرفی خود و سایر ائمه به عنوان شاهدان بر خلق خدا، ویژگی‌های شاهد را نیز بیان می‌دارد که عبارتند از طهارت<sup>۵</sup>، عصمت، معیت با قرآن و جدایی ناپذیری از آن. در حدیث تقلین نیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تأکید می‌نماید که این ویژگی آخر یعنی جدایی ناپذیری از قرآن مخصوص اهل بیت علیهم السلام از عترتشان است.

#### ۴.۲.۱- فرشتگان الهی

برخی از آیاتی که دلالت بر شهادت فرشتگان می‌کند در سوره ق، مطرح شده است مانند: «إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق/۱۷ و ۱۸). انسان سخنی نمی‌گوید مگر آن که آن دو ملک نزد او مهیا و آماده‌اند مأمور بر ضبط تمام اعمالند، حتی اگر یک کلمه باشد و نیز در روز معاد شاهد و گواه بر اعمال او هستند، گرچه علم خدا محیط بر همه چیز است، ولی شاید برای این که در روز جزا هر کسی اعمال و افعال خود را مشاهده نماید باید اعمالش ضبط شده تا آن که خودش نیز مشاهده نماید و ملائکه نیز شهادت دهند (بانو امین، ۱۳۶۱، ج ۱۳، ص ۲۷۶) و آیه ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ (ق/۲۱). آیات قبل دلالت بر شهادت فرشتگان در دنیا داشت و این آیه مربوط به شهادت آنها در صحنه قیامت است (البته همان‌طور که گذشت شهادت در آخرت منوط به شاهد بودن در دنیا است). علامه با استفاده از سیاق آیات می‌گوید سائق و شهید از جنس ملائکه‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۵۲۳). از قول ضحاک نقل شده سابق از فرشتگان است، شهید و گواه خود فرد است (یعنی اندامش که بر او گواهی می‌دهد). از قول عبد الله عباس آمده:

سایق، فرشتگانند و گواه، عمل او. برخی دیگر گفته‌اند، هم سایق و هم گواه فرشتگان هستند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ص ۶۹).

در قرآن بحث حضور فرشتگان به عنوان شاهد و کاتب اعمال آدمی را بسیار مطرح کرده ﴿وَهُوَ الْفَاحِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ﴾ (انعام/۶۱) ﴿وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً﴾: مفسرین ذیل این آیه راجع به جمله ﴿يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً﴾ می‌گویند: یعنی خداوند فرشتگانی به سوی شما می‌فرستد که اعمال شما را حفظ کنند، همه را حساب کرده و بنویسند، تا بدانید که آنها از سوی خدا نگهدارنده و ثبت‌کننده اعمال شما هستند این کار لطف به بندگان است تا از گناهان اجتناب کنند و چنانچه عملی انجام دهند قیامت به آن شهادت می‌دهند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۸۴؛ طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۸).

ائمه علیهم‌السلام نیز ذیل آیات مربوطه و سایر روایات بر این امر پرداخته‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۱۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۰۹) به عنوان نمونه امیرالمؤمنین علیه‌السلام هنگام غروب می‌فرمود: «مَرَحَبًا بِاللَّيْلِ الْجَدِيدِ وَالْكَاتِبِ الشَّهِيدِ اَكْتُبَا بِسْمِ اللَّهِ» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ص ۳۰). طبق این سخن هر روز فرشته‌ای جدید به عنوان کاتب و شاهد اعمال بر هر کس گمارده می‌شود. فرشتگان نیز دارای دو صفت علم و شهادت‌اند و طبق نقل صاحب مجمع از قتاده که در بخش پیامبران الهی، گذشت ملائکه نیز برای مؤمنین اذن شفاعت دارند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۹۰).

۲. پیامدهای باور به شهادت شاهدان در زندگی دنیوی با استفاده از زیارت امین‌الله هر چه میزان شناخت علم شاهدان و نحوه عملکردشان در شهادت افزایش یابد، اثرات باور به شهود آنان بیشتر خواهد شد و زین پس به این پیامدها پرداخته می‌شود.

## ۱.۲- بالا رفتن کمیت و کیفیت اعمال صالح

بر اساس تفسیر آیه (۱۴۳) سوره بقره<sup>۶</sup> شاهد باید بر انسان ولایت داشته باشد تا بتواند نیت افراد را متوجه شود و عمل غایب انسان را نیز بداند و به آن شهادت دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۳). این ولایت مراتب دارد و مراتب پایین آن حتی در نزد اساتید عرفانی نسبت به شاگردانشان وجود داشته است و در این مورد نقل‌های فراوانی در زندگی بزرگان و اولیاء از جمله علامه<sup>رحمته‌الله</sup> رسیده که گاه استاد با این که در مکانی دور از شاگرد بوده است، خطای او را متوجه شده، تذکر داده یا حتی فکر او را خوانده<sup>۷</sup> و جواب اشکال وی را گفته است. مراتب عالی و کامل این ولایت نزد معصوم<sup>علیه‌السلام</sup> است، به گونه‌ای که هیچ چیز از نیت، افکار و اعمال، از نظر آنان پنهان نیست و گرنه شهادت بر کل امتشان معنا نداشت، به ویژه شهادت پیامبر<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> که شاهد انبیای زمان قبل از خود هستند محل تأمل است. اگر این مطلب به باور قلبی برسد و فراموش نشود، زندگی متفاوت خواهد شد و دنیا و روابط انسان‌ها شکل دیگری خواهد گرفت؛ ویژگی‌هایی که در روایت امیرالمؤمنین<sup>علیه‌السلام</sup> برای شاهد ذکر شد، عبارت بود از عصمت و طهارت این دو صفت روشن می‌سازد که «شاهد» خطا و اشتباه نمی‌کند و طبق هوای نفس نیز شهادتی نمی‌دهد. هر آنچه شهادت دهد عین حق است. طبق حدیث ثقلین، شاهد با این دو ویژگی از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن نیز از او جدا نمی‌شود، از این رو در برخی منابع قرآن را نیز به عنوان شافع و شاهد اعمال ذکر کرده‌اند به طوری که امام رضا<sup>علیه‌السلام</sup> می‌فرماید: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ شَافِعُ أَصْحَابِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۲۲). همچنین «قرآن در قیامت به زیباترین صورت ظهور می‌یابد و بدین سان، به سود کسی که او را تلاوت کرده و بدان عمل نموده است، گواهی می‌دهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۳۷).

امامان معصوم<sup>علیهم‌السلام</sup> قرآن ناطق و عملی نیز خوانده شده‌اند. امیرالمؤمنین<sup>علیه‌السلام</sup>

نیز راجع به مقام خود فرمودند که از قرآن جدایی ناپذیرند «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَهَّرَنَا وَ عَصَمَنَا وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَ جَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَ جَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نَفَارِقُهُ وَ لَا يُفَارِقُنَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۱).

هر کسی که ائمه علیهم السلام، به ویژه امام عصر علیه السلام، را به عنوان امام زنده، همواره به صورت شاهد بر همه اعمال، افکار و نیت خود در نظر بگیرد و به این امر باور قلبی داشته باشد، شرم می کند بسیاری از خطاها و دورویی ها با خدا و خلق او را مرتکب شود. به عنوان مثال در محیط هایی مانند شرکت ها، فروشگاه ها، بزرگراه ها و جاده ها که دورین نصب می شود و افراد می دانند چشم پنهانی همواره مراقب کارهای آنهاست، قطعاً کار خود را بهتر انجام می دهند و سعی می کنند خطایی مرتکب نشوند حتی برای افراد وظیفه شناس این امر حالت تشویقی دارد و سبب می شود شخص بداند اعمال نیکش نادیده گرفته نمی شود و بین او و کسانی که از وظایف خود کوتاهی می کنند تفاوت هست.

حال تصور کنیم شاهدانی که خداوند قرار داده است بسیار پیشرفته ترند، زیرا نه تنها شاهد اعمال آدمی هستند، بلکه برخی از آنها از جمله خود خداوند و حاجتش شاهد نیت و افکار هم هستند. این کنترل قوی چقدر می تواند در بالا بردن کیفیت اعمال صالح بندگان تأثیر مثبت بگذارد و چه بسیار از خطاهای افراد کم می کند. کسی که اعلام خدا در وجود این شاهدان را جدی بگیرد، در انجام وظایف بندگی خود در هر لحظه و در هر موقعیت کوتاهی نمی کند، و همواره شاهدان را ناظر بر اعمال خود حس می کند و در نظر می گیرد. از این رو کیفیت و کمیت اعمال صالح او بالا می رود. این امر اثراتی دارد که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

## ۲.۲- امید به ملاقات خداوند

همان طور که بیان شد، باور به شهود شاهدان منجر به بالا رفتن کیفیت و کمیت



اعمال صالح می‌شود که این نیز تبعاتی دارد. یکی از آنها امید پیدا کردن به لقاء خداوند است زیرا براساس آیه ﴿... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف/۱۱۰)؛ هر کس به ملاقات خدا امیدوار است باید اعمال صالح انجام دهد و در صورت انجام کارهای نیک، این امید (به لقاء الله) در وی افزون می‌گردد، پس بین این دو رابطه متقابل وجود دارد. در اهمیت این آیه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لو لم ينزل على أمتي الا خاتمة سورة الكهف لكفتمهم» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۵۸). پس باید حاوی مطالب ویژه‌ای باشد که فرمودند اگر از قرآن غیر از آیه آخر سورة كهف بر من نازل نشده بود همان یک آیه برای امت من کافی بود.

طبق آیه کسی که آرزوی لقاء رحمت الهی را در دل دارد باید در دو عمل جدیت بسیار داشته باشد، یکی در عمل صالح یعنی عملی که لایق پیشگاه قرب جوار احدیت باشد، دیگری این که موحد خالص باشد و در عمل کسی را با خدا شریک نیاورد. پس برای انسان راهی به سوی حق تعالی نیست، مگر همین ایمان کاملی که توأم با عمل صالح و خلوص نیت باشد (بانو امین، ۱۳۶۱، ج ۸، ص ۹۱). مفسرین در مورد آیه مذکور روی کارهای نیک با اخلاص و عمل بدون ریا تأکید نموده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۴۰۶؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۶، ص ۷۷۰).

از سایر آیات قرآن نیز می‌توان ارتباط بین عمل صالح و لقاء الله را دریافت. به عنوان نمونه خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره/۴۵) و ۴۶؛ پس کسانی که اعمال صالحی همچون نماز و صبر (که به روزه تفسیر شده است) برایشان سخت و ثقیل نیست (یعنی خاشعین) همان کسانی هستند که باور به ملاقات پروردگارش دارند، از این رو همواره بین کارهای پسندیده و ملاقات خدا ارتباط دو طرفه وجود دارد و امید به لقاء الله، که از پیامدهای اعتقاد به وجود

شاهدان قیامت و اعمال نیک است، متقابلاً اعمال صالح را سهل می‌نماید. علاوه بر آن آثار دیگری نیز در پی دارد که از درخواست‌های امام سجاد علیه السلام در زیارت امین‌الله قابل استخراج است.

### ۳.۲- آثار باور به وجود شاهدان و اشتیاق به لقاءالله با استفاده از زیارت امین‌الله

چنانچه در قسمت اول پیامدها ذکر شد وجود شاهدان و اعتقاد به این مسأله، اعمال صالح را از لحاظ کمی و کیفی تقویت می‌کند و با ازدیاد اعمال نیک، شوق و امید به لقاءالله تقویت می‌شود، چرا که این دو بر هم اثر متقابل دارند. همچنین از ارتباط فرازهای دعای امام سجاد علیه السلام در زیارت امین‌الله «اللهم فاجعل نفسی مطمئنة بقدرک راضیة بقضائک، مولعة بذکرک و دعائک؛ محبة لصفوة اولیائک؛ محبوبة فی أرضک و سمائک؛ صابرة علی نزول بلائک، شاکرة لفواضل نعمائک، ذاکرة لسوابغ آلائک، مشتاقة إلی فرحة لقاءک...» مشخص می‌شود، امید و اشتیاق به دیدار خداوند که از پیامدهای اعتقاد به وجود شاهدان قیامت است، نیز آثاری دارد که در بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی و حیات اخروی بشر بسیار مؤثر است و در ادامه بیان می‌شود. برای تبیین بهتر، این مسأله در پایان این نوشتار ارتباط موارد مذکور به صورت شکل‌هایی نشان داده شده است.

### ۱.۳.۲- اطمینان به قدر و رضایت به قضای الهی

در مسیر توحید و بندگی با اعمال صالح قرار است انسان به این نوع از آرامش برسد، که به قضا و قدر الهی و سرنوشت خویش اطمینان و رضایت داشته باشد. زیرا جایگاه انسان نزد خداست «...إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶)؛ رجوع مردم به سوی خدا، بازگشت به فطرت و جایگاه آرامش اولیه او است. از این رو فطرت انسان آرامش‌خواه است، اما چون از این مرتبه پایین آمده، به شکل‌های گوناگون مضطرب است، اما اضطراب مناسب فطرتش نیست، بنابراین از آن

می‌گریزد و برای یافتن آن به هر کاری دست می‌زند. انسان هرگاه از یاد خدا غافل شود مضطرب است تا وقتی که با یاد او آرام گیرد. شرط این آرامش، ایمان و اطمینان قلب با ذکر است ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾<sup>۸</sup> (رعد/۲۸). این اطمینان صادق است. در زیارت امین‌الله نیز امام علیه السلام درخواست حریص بودن به یاد خدا را دارند: «مولعة بذکرک و دعائک». اطمینان به دو صورت است؛ صادق و کاذب. خواست و مطلوب همه انسان‌ها اطمینان و آرامش است، اما گاهی به اطمینان کاذب می‌رسند، ولی فکر می‌کنند به اطمینان صادق رسیده‌اند، اطمینان کاذب از سر غفلت و مشغول شدن به لذات دنیوی است.<sup>۹</sup>

در زیارت امین‌الله امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي ... مُشْتَاقَةً إِلَى فِرْحَةِ لِقَائِكَ»؛ خدایا مرا مشتاق دیدارت همراه با شادی بگردان. ملاقات با خدا دو نوع است زیرا طبق قرآن همه انسان‌ها به سوی پروردگار در حرکتند و او را ملاقات می‌کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (انشقاق/۶)، اما مسلماً همه به یک صورت دیدار ندارند، چنانچه در آیات بعدی دو دسته از افراد را نام برده است کسانی که نامه اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود که قطعاً همان کسانی هستند که خدا را با شادی، سرور و صفات جمالش ملاقات می‌کنند و افرادی که نامه اعمالشان از پشت سرشان به آنها داده می‌شود که نتیجتاً ملاقات کنندگان با غضب پروردگار و صفات قهریه او هستند.

امام سجاده علیه السلام به زائر یاد می‌دهند لقاء با شادی را از خدا بخواهد و اشتیاق برای این ملاقات را درخواست کند؛ چرا که این شوق و اشتیاق آثار فراوانی در زندگی دنیوی و اخروی دارد. در فرازهای قبلی دعا به این آثار پرداخته است، از جمله اطمینان به قدر خدا و رضایت به قضای الهی «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مَطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ» با شوق الی‌الله دل به مقدرات آرام می‌گیرد و به رضای الهی راضی می‌شود. امام سجاده علیه السلام در آخر دعای ابو حمزه ثمالی طلب

درخواستی را از خداوند می آموزد که مایه آرامش و اطمینان در زندگی است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ يَقِينًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَ رَضِيْتَنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي...» (مجلسی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۳)

این رضایت به تقدیر در زندگی در پرتو شوق به لقاء الهی با شادی میسر و آسان می شود و آدمی در این مسیری که خداوند برایش تعیین کرده است، اگر درست قدم بردارد، در کوتاه ترین زمان، بیشترین پیشرفت را خواهد داشت تا به هدف نهایی خلقت خود، یعنی بندگی و ملاقات با خدا توأم با شادی برسد.

### ۲.۳.۲- حریص به ذکر الهی

امام سجاده علیه السلام در ادامه زیارت امین الله می فرماید: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي... مَوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَ دَعَائِكَ»؛ خدایا مرا حریص به ذکر و خواندن خودت، قرار بده. در قرآن نیز آمده: «وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا» (مزمّل ۸)؛ یعنی نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز. مراد از «تبتل»، تضرع و زاری لفظی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۶۴). همان طور که یاد خدا اثراتی دارد از جمله آرامش، توکل، رضایت از زندگی و پیدایش شرح صدر؛ روی برگرداندن از ذکر او نیز تبعاتی دارد، از جمله ضیق صدر یا تنگ شدن سینه، به عبارتی سخت شدن زندگی. از دیگر تبعات آن کوری در آخرت است: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى» (طه/۱۲۴). معنای زندگی تنگ، نارضایتی نسبت به آنچه فرد دارد، و دل بستگی به آنچه ندارد، است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۲۶). پس کسی که همواره به یاد خدا باشد (ذکر دائم) در نتیجه از زندگی راضی می شود، چون طبق آیه فوق رضایت مندی از زندگی، از آثار ذکر است.

فردی که شوق دیدار محبوبی را در دل داشته باشد، بی اختیار، همواره به یاد او است، اگر آن محبوب؛ خالق، شاهد، شفیع، جمیل و دارای تمام کمالات نیز

باشد دیگر نیازی نیست محب تسیح دست بگیرد تا ذکر خدا را فراموش نکند، بلکه لحظه‌ای بدون او به سر نمی‌برد. به قول بابا طاهر:

﴿۱۱۵﴾

خوشا آنان که الله یارشان بی بحمد و قل هو الله کارشان بی

خوشا آنان که دایم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی

عدم غفلت از یاد محبوب حقیقت ذکر الهی است «الذکر حضور المعنی للنفس» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۳۷) یا «الذکر حضور المذکور عند الذاکر» دلی این چنین تا زمانی که به یاد او است آرامش دارد ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/۲۸). از این رو در دنیای پرتلاطم امروز که همه به دنبال آرامش می‌گردند یاد خدا بهترین منبع آرامش حقیقی است.

از قول امیرالمؤمنین علیه السلام آمده: «ذَكَرُ اللَّهِ جَلَاءُ الصُّدُورِ وَ طَمَئِينَةُ الْقُلُوبِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۵؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶۹). سینه انسان (صدر) در این جا مقام نفس است که در دنیا آلوده می‌شود. در این صورت دیگر تبعیت ندارد، پاک کردن زنگارش به ذکر خدا است؛ ذکری که موجب آرامش درونی و اطمینان خاطر نیز می‌شود. کسی که به یاد دارد شاهدهی همواره مراقب او است، آرامش دارد. چون می‌داند هر کار خوبی که می‌کند همواره دیده می‌شود. در نتیجه بدون آنکه کسی متوجه شود و بدون منت انفاق می‌کند و وجودش برای سایرین مفید است، غم و اندوه دیگران را برطرف می‌نماید و در رفع مشکلاتشان کوشاست. به یاد دارد کارهایش دیده شده و مزدش به موقع پرداخت خواهد شد. استاد سخن سعدی شیرازی این شهود را در نظر داشته که گفته:

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

همچنین طبق حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام یاد خدا دور کننده سختی‌ها و فشارهاست «ذکر الله طارد لأدواء و البؤس» (همان). خداوند از مهم‌ترین شهود است و اشتیاق به ملاقات او، مصائب زندگی را آسان می‌نماید. زیرا انسان به

شوق لقای او سرنوشت خویش را پذیرفته، و باور دارد آن چه حکیم قادر برایش مقدر ساخته خیر و صلاح او است.

### ۳.۳.۲- صبور شدن در بلاها

از دیگر آثار توجه به حضور شاهدان و اشتیاق دیدار خداوند، صبور شدن در بلاهاست. به شوق دیدار او تحمل تلخی صبر آسان تر می شود. از طرفی همین صبر ایجاد معیت با خداوند می کند: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶) از این رو می تواند مسیر لقاءالله را هموار کند. پس کسی که طبق دعای امام سجاده علیه السلام در زیارت امین الله حریص به ذکر شد، به دنبالش صبور نیز می گردد: «صابرة علی نزول بلائک». همان طور که در قرآن نیز آمده صبر انسان جز به توفیق خدا نیست «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ...» (نحل/۱۲۷)؛ یعنی نیروی صبر به توفیق و تثبیت خداوند است و ارتباط خدا با قلب (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۵)، بنابراین فرد ذاکر خداوند همواره منتظر توفیق خدا برای صبر نیز هست و این ارتباط قلبی با خدا برای دریافت صبر، به گرفتن آن کمک می کند. صبر برای تحمل مشکلات زندگی از ضروریات است و خداوند آن را در دو آیه قرآن از عوامل استواری در کارها نامیده است: «وَاصْبِرْ عَلٰی مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان/۱۷) «وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (شوری/۴۳) زندگی دنیا که همراه با انواع سختی ها، دردها و رنجهاست جز با صبر و پذیرش اتفاق هر لحظه آسان نمی شود.

### ۴.۳.۲- شکرگزاری

به دنبال صبر، شکرگزاری می آید، در زیارت امین الله نیز پس از طلب صبر در بلاها، درخواست شکر در نعمت ها مطرح شده است: «شاکرة لفواضل نعمائک». حقیقت شکر این است که نعمت خدا در جای خود صرف شود و اگر این عمل صورت گیرد، اثرات مثبتی بر زندگی دنیوی افراد دارد، از جمله مانع اسراف و

تبدیر می‌گردد، چون هر نعمتی به جا صرف می‌شود. حتی نیروهای وجود انسان هرز نمی‌رود و در مسیر صحیح خاص خود قرار می‌گیرد. از طرفی شکر، باعث برکت و فزونی نعم الهی می‌شود. چنانچه خداوند با تأکید وعده فرمود: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ (ابراهیم/۷)، این‌ها یعنی بهبود شرایط زندگی. به تبع آن احساس رضایت از زندگی روزافزون شده، میزان افسردگی به ویژه در نسل جوان کم‌تر می‌شود. بنابر نتایج به دست آمده از این نوشتار، به خلاف تصور جوانان که فکر می‌کنند برای شادابی و نشاط دنیوی باید به مسائل مربوط به قیامت و شهود شاهدان و... فکر نکنند و در زندگی روزانه خود با این مباحث کاری نداشته باشند، با یادآوری شهود شاهدان انگیزه برای انجام اعمال صالح بالا رفته، تمایل به انجام گناه و خلاف کاهش می‌یابد. از این رو افراد جامعه از یکدیگر امنیت و آسایش دریافت می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

بنابر نقل آیات قرآن و روایات ائمه علیهم‌السلام، شاهدان قیامت متعددند و با شهادت آنها، راه عذر و انکار بر انسان بسته می‌شود. در این میان بیشترین تأکید بر شهادت شاهدان زنده و عالم به علم الهی بر امت‌ها یعنی حجت، امام و رسول هر امت شده است. این افراد و فرشتگان که دارای دو صفت علم و شهادت هستند، در دنیا شاهد بر اعمال مردم هستند و در قیامت شهادت می‌دهند و اذن شفاعت نیز دارند. خداوند برای اتمام حجت و تأکید بیشتر، علاوه بر شهادت خود و این دسته از شهود، شاهدان دیگری نیز قرار داده است، از جمله زمین، زمان، قرآن، اعضاء و جوارح آدمی و اعمال تجسم یافته انسان‌ها.

وجود شاهدان قیامت در تربیت و سازندگی کسی که آنان را به درستی بشناسد و باور کند، مؤثر است؛ زیرا یقین دارد، آنچه در دنیا انجام می‌دهد، یا به آن فکر می‌کند، بی‌کم و کاست ثبت و ضبط شده، شاهدان قوی به آن شهادت

می دهند. در نتیجه لحظه به لحظه مراقبت از فکر و عمل خود دارد؛ از منفی آن اجتناب نموده و به جنبه‌های مثبت آن، یعنی ترک گناه و مردم‌آزاری، انجام هر چه بیشتر اعمال خیر برای سایرین به قصد قرب الی الله و روسفیدی نزد شاهدان می‌پردازد. به این ترتیب مراتب پاکی اعضا و جوارح و سپس طهارت خیال (فکر)، قلب، عقل و روح را کسب می‌کند. از این رو ایمان به شهادت شاهدان از عوامل مؤثر در بهبود کیفیت زندگی دنیوی است. زیرا کسی که به این مرحله رسید دیگران از او در امنیت و آسایش هستند، پس به معنای واقعی کلمه مؤمن شده است.

افزایش اعمال صالح که در معتقدان به شهود شاهدان اتفاق می‌افتد، در بهبود زندگی فردی و اجتماعی معتقدان و روابط آنان با دیگران مؤثر است و آثاری در پی دارد که منجر به آرامش و امید در زندگی دنیوی و سعادت اخروی می‌گردد. یکی از این آثار با استناد به آیه آخر سوره کهف، ازدیاد امید به ملاقات با خدا با حالت شادی و سرور است. این امیدواری پیامدهایی بر گرفته از زیارت امین‌الله در زندگی دارد که عبارتند از:

۱. رضایت و اطمینان به سرنوشت، یا به عبارتی قضا و قدر الهی. این احساس رضایت‌مندی در زندگی فرد، آرامش آفرین است و انسان ضمن تلاش برای بهبود زندگی، اطمینان می‌یابد آنچه قادر حکیم برایش رقم زده بهترین تقدیر بوده است. از این رو زندگی برایش شیرین می‌شود.

۲. تمایل به زنده نگه داشتن یاد خداوند در دل به طور مداوم و مناجات با او. زیرا فردی که امید دیدار کسی را در دل می‌پروراند، لحظه‌ای از یاد او غافل نیست و این حقیقت ذکر الهی است.

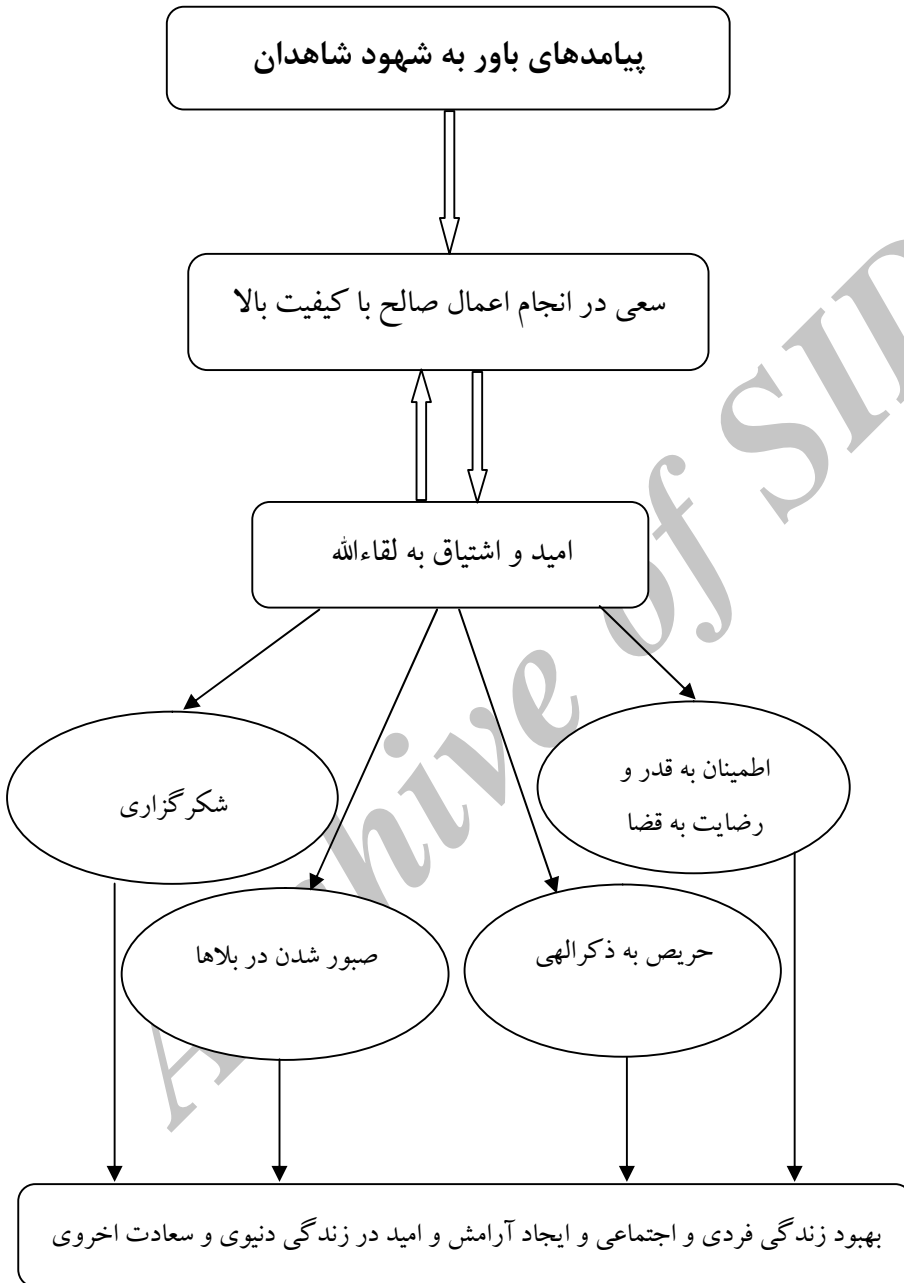
۳. صبور شدن در برابر سختی‌های زندگی. صبر از آثار ذکر و امید به لقاءالله است، همچنین از توفیقات خداوند است. کسی که باور دارد شهود سختی‌ها و صبر او را شاهدند تحمل سختی‌ها برایش آسان‌تر می‌شود.



۴. شکرگزاری و به تبع آن ازدیاد نعمت.

مجموع پیامدهای مذکور، زندگی دنیوی را شیرین و توأم با آرامش می‌کند و دشمنی‌ها و کینه‌ها را با صبر و آرامش برطرف نموده و رضایت و دوستی در زندگی ایجاد می‌کند. از این رو افراد خانواده و جامعه از هم ایمن هستند، چراکه به شهود شاهدان در هر لحظه باور دارند.

برای تبیین بهتر مسأله، ارتباط موارد مذکور در شکل‌هایی نشان داده شده است. نحوه به دست آمدن این ارتباطات از آیات و کلام امام علیه السلام در قسمت «امید به ملاقات خداوند» و «آثار باور به وجود شاهدان و اشتیاق به لقاءالله با استفاده از زیارت امین‌الله» بیان شده است.



## پی‌نوشت‌ها

۱. نام منطقه وسیعی در عرفات که با علائم خاصی به عنوان نَمِرَات مشخص شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۷۸).
۲. آیاتی که دلالت بر تسبیح موجودات دارد: حدید/۱؛ اسری/۴۴؛ رعد/۱۳ و ۱۵؛ نور/۴۱؛ انبیاء/۷۹؛ حج/۱۸ و آیاتی که دلالت بر درک و شعور موجودات دارد عبارتند از: بقره/۷۴؛ نمل/۱۷ و ۱۸ و ۱۹؛ حشر/۲۱؛ مریم/۹۰؛ نور/۲۴؛ یس/۶۵ و ۸۲؛ فصلت/۲۱ و ۱۱؛ زلزال/۴ و ۵؛ انبیاء/۶۹؛ هود/۴۴.
۳. از آنجا که برخی از اهل سنت در مسأله شفاعت شبهه ایجاد می‌کنند، تعریف شفاعت از بین مفسران همان گروه انتخاب شد.
۴. «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۲۳۳) و شبیه به این عبارت در بیش از بیست آیه از قرآن آمده است، که نشانه تأکید خداوند به این امر است.
۵. چنانچه در تفاسیر آمده آیه ۳۳ سوره احزاب در مورد طهارت اهل بیت علیهم‌السلام از هر نوع آلودگی و گناه نازل شده و عصمت آنان را ثابت می‌کند. تفاسیر شیعی مصداق اهل بیت علیهم‌السلام را ائمه علیهم‌السلام به ویژه خمسه طیبه می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۱۲).
۶. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...» (بقره/۱۴۳).
۷. نوعی از این حالات در علم تحت عنوان تله‌پاتی به اثبات رسیده است.
۸. [بازگشتگان به سوی خدا] کسانی [هستند] که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باشید! دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد.
۹. «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَاوْتَهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یونس/۷ و ۸).

## منابع و مأخذ

### • قرآن کریم.

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (بی‌تا)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی صدوق.
۳. ----- (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶)، محاسبة النفس، تصحیح زین الدین بن علی شهید ثانی، ابراهیم بن علی کفعمی، تهران، مرتضوی.
۶. امین، نصرت (۱۳۶۱)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۷. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
۸. پرچم، اعظم (۱۳۸۲)، بررسی تطبیقی مسایل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین، اصفهان، کنکاش.
۹. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۶)، فرهنگ شیعه، قم، زمزم هدایت، چاپ دوم.
۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح سید مهدی رجائی، قم، دار الکتب الاسلامی.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، عرفان حج، قم، نشر مشعر، چاپ دوازدهم.
۱۲. رشید رضا، محمد (۱۳۵۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم.
۱۳. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۴. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۷. ----- (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۲۰. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۲۱. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).
۲۲. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات صدرا.
۲۳. کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

۲۵. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ (للیثی)*، تصحیح حسین حسنی بیرجندی، قم، دار الحدیث.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲)، *میزان الحکمه*، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۸. ----- (۱۴۲۳ق)، *زاد المعاد - مفتاح الجنان*، مصحح: علاء‌الدین اعلمی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الأمالی (للمفید)*، مصحح: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۰. میدی، رشیدالدین احمد (۱۳۷۱)، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، محقق: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم.